

قضا گفت گیر و قدر گفت ده (بررسی جایگاه و وضعیتِ بیتی در شاهنامه)

خلیل کهریزی

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی

چکیده

در تصحیح متنی مانند شاهنامه علاوه بر تشخیصِ نویسش‌ها و بیت‌های اصیل، یافتن جایگاه درست ابیات نیز در محور عمودی کلام اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا ممکن است کاتبان با پس و پیش نوشتن یا نقل ابیاتی از حافظه در حاشیه یا متن دستنویس‌ها نظم اصیل روایی آنها را دگرگون کنند. یکی از این موارد، بیت «قضا گفت گیر و قدر گفت ده / فلک گفت احسنت و مه گفت زه» با پنج بیت دیگر است که در دو جا از شاهنامه آمده است؛ یک بار در رزم رستم با اشکبوس و یک بار دیگر در جنگ بهرام چوبین با ساوه‌شاه. ما در این مقاله کوشیده‌ایم، نخست با درنگی بر وضعیت این بیت در دستنویس‌های شاهنامه، نشان دهیم، جایگاه اصلی آن بر خلاف پنج بیت دیگر، داستان رزم رستم با اشکبوس است. پس از آن کوشیده‌ایم، با نقد پژوهش‌های پیشین و توجه به وضعیت این بیت در دستنویس‌ها، درباره اصلت آن بحث کنیم. بر پایه جست‌وجوهای ما، تا کنون دلیل استواری برای الحاقی پنداشتن این بیت ارائه نشده و علاوه بر همصدایی دستنویس‌ها، می‌توان در دیوان همام تبریزی نیز تأییدی جنبی برای اصلت آن یافت. از دیگر سو به‌رغم اینکه این بیت در دوازده دستنویس مهم تا قرن نهم هجری آمده است، کهن‌ترین دستنویس شاهنامه و دستنویس سن‌ژوزف آن را ندارند و بنداری نیز آن را ترجمه نکرده است. از همین روی تصمیم‌گیری قطعی درباره آن دشوار است و تا یافتن سندی معتبر بهتر است آن را در چنگک شک به متن ببریم.

واژه‌های کلیدی: فردوسی، شاهنامه، تصحیح، رستم و اشکبوس، بهرام و ساوه‌شاه.

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲

E-mail: kh.kahrizi@gmail.com

ارجاع به این مقاله: کهریزی، خلیل، قضا گفت گیر و قدر گفت ده (بررسی جایگاه و وضعیتِ بیتی در شاهنامه)، زبان و ادب

فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، 10.22034/perlit.2021.30856.2302)

۱. مقدمه

در تصحیح یک متن نقلی، علاوه بر انتخابِ نویسش‌های درست و تشخیصِ بیت‌های اصیل از الحاقی، آنچه اهمیت ویژه‌ای دارد، تشخیص جای درست ابیات در روند داستان است. کاتبان که عمدتاً می‌کوشیده‌اند با سرعت زیاد متن را کتابت کنند، گاه در کار خود دچار لغزش می‌شده‌اند و جایگاه یک یا چندین بیت را تغییر می‌داده‌اند. این کار در بعضی از دستنویس‌ها چنان شایع بوده است که کاتب مجبور می‌شده، اغلاط این چنینی خود را با دست بردن در متن شاهنامه و تغییر آن برطرف کند. البته گاه این جابه‌جایی‌ها به عمد صورت گرفته است. به دیگر سخن، کاتبی که با شاهنامه مأنوس بوده و بیت یا بیت‌هایی از آن در خاطر داشته، آنها را، علاوه بر جای اصلی، در جای دیگری نیز افزوده است. البته نباید همه این موارد را به گردن کاتبان انداخت، بلکه گاه آنها فقط ناقلان این دستبردها بوده‌اند؛ یعنی «بخشی از این دستبردها را باید از صاحبان دستنویس‌ها و شاهنامه‌خوان‌ها و نقال‌ها و دیگر خوانندگان آن، به‌ویژه آنهایی که طبع شعر داشته‌اند، دانست که هر جا متن را مطابق پسند یا دانش خود ندیده‌اند، آن را به حساب خود اصلاح کرده‌اند و به کناره صفحات و میان ستون‌ها بیت‌هایی افزوده‌اند» (خالقی مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷۵).

یکی از نمونه‌های مهم این پدیده در دستنویس‌های شاهنامه پنج بیت از داستان جنگ بهرام چوبین با ساوه‌شاه است که در رزم رستم با اشکبوس نیز تکرار شده‌اند. پیش از تصحیح استاد خالقی مطلق، چاپ‌های معتبر شاهنامه آن ابیات را در هر دو موضع به متن برده بودند؛ اما دکتر خالقی مطلق، با توجه به وضعیت دستنویس‌هایش، آنها را متعلق به جنگ بهرام و ساوه‌شاه دانست و از قرار دادن آنها در متن رزم رستم با اشکبوس پرهیز کرد. در دنباله این پنج بیت، با یک بیت فاصله، بیت معروف «قضا گفت گیر و قدر گفت ده / فلک گفت احسنت و مه گفت زه» در شمار زیادی از دستنویس‌های رزم رستم با اشکبوس آمده و در یک دستنویس نیز به جنگ بهرام با ساوه‌شاه رفته است.

گرچه دکتر خالقی مطلق این بیت را با پنج بیت پیشین یک مجموعه پنداشته و آنها را متعلق به جنگ بهرام با ساوه‌شاه دانسته است؛ اما در هر دو موضع موردنظر، آن را از متن بیرون نهاده و به حاشیه برده است. با وجود این، توضیح آشکاری نیز درباره علت الحاقی بودن آن مطرح نشده است. البته یگانگی دستنویس لندن در ضبط این بیت در جنگ بهرام با ساوه‌شاه می‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای الحاقی پنداشتن آن به شمار آید و از همین روی، استاد خالقی مطلق و دکتر خطیبی در تصحیح دفتر هفتم شاهنامه، آن را به متن نبرده‌اند. با این حال نباید از یاد برد که یگانگی دستنویسی که این

بیت را دارد، مربوط به داستان جنگ بهرام چوبین با ساوه‌شاه است؛ درحالی‌که در رزم رستم با اشکیوس شمار زیادی از دستنویس‌ها این بیت را ضبط کرده‌اند. همین مسئله می‌تواند موجب تردید نسبت به جایگاه درست این بیت در شاهنامه و بحث اصیل و الحاقی پنداشتن آن باشد. از همین روی، ما در این مقاله می‌کوشیم به دو پرسش اساسی درباره این بیت پاسخ دهیم. ۱. جای درست این بیت در شاهنامه کجاست؟ ۲. پس از تعیین جایگاه این بیت، آیا باید آن را اصیل پنداشت و در متن نهاد، یا افزوده دانست و به حاشیه راند؟

ما برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها، نخست، گزارشی از وضعیت پنج بیت موردنظر در چاپ‌های معتبر شاهنامه و گزارشی مفصل‌تر از وضعیت بیت «قضا گفت گیر...» در چاپ‌ها و دستنویس‌های مهم شاهنامه تا قرن نهم هجری به دست داده‌ایم و سپس با توجه به این گزارش‌ها کوشیده‌ایم، پرسش‌هایمان را پاسخ دهیم و جایگاه و وضعیت این بیت را در شاهنامه مشخص کنیم.

۱.۱. پیشینه پژوهش

تابه حال پژوهش مستقلی درباره اصالت بیت «قضا گفت گیر...» انجام نشده است. باین حال، وحید رویانی و منیره فرضی شوب (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیرات شاهنامه بر حمله حیدری باذل مشهدی» این بیت را یکی از موارد تأثیر شاهنامه بر آفرینش بیتی از باذل دانسته‌اند. سجاد آیدنلو (۱۳۹۴: ۲۰۸) نیز در مقدمه دفتر خسروان، در بحث از بیت‌های الحاقی شاهنامه، یک بند را به این بیت اختصاص داده و آن را بیتی افزوده به داستان رستم و اشکیوس دانسته که در دستنویس‌های مهم شاهنامه نیست. علاوه بر این، از آنجا که این بیت در کتاب‌های درسی مدارس نیز آمده است، بحثی پیرامون آن در مجله رشد آموزش و پرورش در گرفته که سه مقاله را در این نشریه به خود اختصاص داده است. اولین مقاله را حسین نظریان (۱۳۹۱) نوشته، دومی را علی فراتی (۱۳۹۴) در نقد مقاله نظریان و سومین مقاله را نیز داود رفیعی (۱۳۹۵) در نقد نظریات دو مقاله پیشین نگاشته است. البته متناسب با فضای مدرسه و تلاش معلمان ارجمند برای به دست دادن معنای اشعار، این مقاله‌ها کوشش‌هایی برای به چالش کشیدن معنای بیت و ارائه معنایی روشن و درست از آن هستند و ارتباط چندانی با بحث ما ندارند.

۲. بیت‌های تکراری رزم رستم با اشکبوس

در بعضی از دستنویس‌های شاهنامه در جنگ رستم با اشکبوس پنج بیت آمده است که دستنویس‌ها این بیت‌ها را در جنگ بهرام چوبین با ساوه‌شاه نیز ضبط کرده‌اند. این بیت‌ها که دکتر خالقی مطلق جای درست آنها را جنگ بهرام با ساوه‌شاه دانسته است (ر.ک: خالقی، ۱۳۸۸: ۴۵۹؛ همو، ۱۳۸۹، بخش دوم: ۵۴؛ خطیبی، ۱۳۸۶: ۵۷)، بر اساس نسخه‌بدل‌های دفتر سوم شاهنامه مصحح ایشان چنینند:

خندنگی برآورد پیکان چو آب	نهاده برو چار پر عقاب
بمالید چاچی کمان را بدست	به چرم گوزن اندرافکند شست
بدو راست خم کرد و چپ کرد راست	خروش از خم چرخ چاچی بخاست
چو سوارش آمد به پهنای گوش	ز چرم گوزنان برآمد خروش
[چو سوار او گشت با گوش راست]	به چرخ اندرون شور و آشوب خاست]
چو بوسید پیکان سرانگشت اوی	گذر کرد از مهره‌ی پشت اوی

(فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳)

(۱۸۴)

این ابیات در ضبط پاره‌ای از واژه‌ها اختلافاتی دارند و همگی در کنار هم در دستنویس‌هایی که این ابیات را دارند، نیامده‌اند. در نبرد رستم با اشکبوس «س، لی، آ، ب، هر شش بیت را دارند؛ لن، ق ۲، پ، و، لن ۲، بیت پنجم و ل ۳ بیت‌های دوم و پنجم را ندارند؛ س ۲ تنها بیت‌های سوم و ششم و ق تنها بیت ششم را دارند؛ ف، ل، ل ۲ هیچ‌یک از این بیت‌ها را ندارند، ولی در ل در کناره به خطی نزدیک به خط اصلی بیت‌های یک و سوم و چهارم و ششم را افزوده‌اند» (همان‌جا).

ناگفته نماند که بیت پنجم بر پایه گزارش بالا، در بسیاری از دستنویس‌ها نیامده است و اگر این پنج بیت را به پیروی از دکتر خالقی مطلق افزوده به نبرد رستم و اشکبوس بدانیم، باید این بیت را افزوده به پنج بیت افزوده به شمار آوریم. از همین روی، دکتر خالقی در پانوشتنی آن را در چنگک شک نهاده است (ر.ک: همان‌جا). همه ابیات بالا، غیر از بیت پنجم، در جنگ بهرام چوبین با ساوه‌شاه نیز آمده‌اند (ر.ک: همان: ۷ / ۵۳۹). بر این اساس، تعداد بیت‌های تکراری را تا اینجا باید پنج بیت دانست و حساب بیتی که در چنگک شک نهاده شده، از پنج بیت دیگر جدا کرد.

این پنج بیت در جنگ بهرام با ساوه‌شاه، بر پایه گزارش نسخه‌بدل‌های استاد خالقی مطلق و دکتر خطیبی در دفتر هفتم شاهنامه (ر.ک: همان‌جا؛ خطیبی، ۱۳۸۶: ۵۶)، در همه دستنویس‌ها آمده‌اند و

بنداری نیز مضمون آنها را در همین بخش به عربی برگردانده است (ر.ک: البنداری، ۱۹۷۰: ۱۸۵). از همین روی، همان گونه که خطیبی (۱۳۸۶: ۵۶) گفته است بدان سبب که این ابیات در رزم رستم با اشکیوس «در کهن ترین نسخه‌ها، یعنی فلورانس ۶۱۴ و لندن ۶۷۵ و نیز ترجمه بنداری نبوده، به حاشیه رانده شده‌اند. مسئله اصلی این است که دکتر خالقی، هنگام تصحیح داستان رزم رستم با اشکیوس، هوشمندانه دریافته بود که همه این بیت‌ها اصیل‌اند، ولی نه به این داستان، که به جنگ بهرام چوبین با ساوه‌شاه تعلق دارند» (نیز ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۳/ ۴۰۰).

از بین دیگر چاپ‌های مهم شاهنامه، ژول مول (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: ۲/ ۷۰۰، همو: ۱۹۷۸/ ۴) و مسکو (همو، ۱۹۶۵: ۴/ ۱۹۶؛ همو، ۱۹۷۰: ۸/ ۳۶۷) پنج بیت موردنظر را در هر دو جا، یعنی هم در رزم رستم با اشکیوس، هم در جنگ بهرام با ساوه‌شاه، آورده‌اند و در ویرایش نهایی چاپ مسکو نیز همین وضعیت تکرار شده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۹۱: ۴/ ۱۴۷). در تصحیح استاد جیحونی نیز مانند تصحیح دکتر خالقی مطلق پنج بیت موردنظر فقط در نبرد بهرام چوبین با ساوه‌شاه آمده‌اند (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۰: ۲/ ۶۴۹؛ همان: ۴/ ۱۹۳۳). نامه باستان دکتر کزازی نیز وضعیتی مانند تصحیح آقای جیحونی و دکتر خالقی مطلق دارد (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۳۰؛ همان: ۸/ ۲۶۲). ویرایش دوم تصحیح دکتر خالقی مطلق نیز در این باره مانند ویرایش نخست ایشان است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۹۳: ۲/ ۸۳۶).

در این اختلاف، قطعاً، کار مصححانی پذیرفتنی است که مانند دکتر خالقی مطلق این پنج بیت را متعلق به جنگ بهرام با ساوه‌شاه دانسته‌اند و از تکرار آنها در رزم رستم با اشکیوس پرهیخته‌اند؛ زیرا آن گونه که دکتر خطیبی (۱۳۸۶: ۵۷) گفته است «به هیچ روی نمی‌توان تصور کرد که صحنه کشته شدن دو پهلوان (اشکیوس و ساوه‌شاه)، یکی در بخش پهلوانی و دیگری در بخش تاریخی شاهنامه، کاملاً یکسان، آن هم در همه جزئیات تصویر شده باشد» (نیز ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۳/ ۴۰۰)؛ بنابراین، باید پنج بیت موردنظر را به دلایلی که پیش از این اشاره شد، به جنگ بهرام با ساوه‌شاه متعلق دانست و آنها را به نبرد رستم و اشکیوس افزوده شمرد. آنچه تا کنون گفته شد پذیرفتنی است؛ اما ماجرای بیت‌های تکراری جنگ رستم و اشکیوس به همین بحث ختم نمی‌شود، بلکه بیت دیگری نیز در دو موضع موردنظر در بعضی از دستنویس‌ها آمده است که وضعیتی آن با پنج بیت بالا اندکی متفاوت است.

۳. قضا گفت گیر و قدر گفت ده

در دستنویس‌هایی که در نبرد رستم با اشکبوس پنج بیت بالا را دارند، پس از آنها این بیت آمده است: «بزد بر بر و سینه‌ی اشکبوس / سپهر آن زمان دست او داد بوس» (فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳/۱۸۵). پس از این بیت، بعضی دستنویس‌ها بیت «قضا گفت گیر و قدر گفت ده / فلک گفت احسنت و مه گفت زه» را نیز دارند. این بیت در جنگ بهرام با ساوه‌شاه نیز در دستنویس لندن مورخ ۶۷۵ هـ ق آمده است. از همین روی دکتر خالقی مطلق آن را در کنار پنج بیت بالا یک مجموعه دانسته است و در یادداشت‌هایش در بخش مربوط به رزم رستم با اشکبوس درباره آن گفته است: «جای شش بیته که پس از بیت ۱۳۰۵ و یک بیته که پس از بیت ۱۳۰۶ در برخی از دستنویس‌ها آمده‌اند، در پادشاهی "هرمزد" و در توصیف هنر تیراندازی بهرام چوبین است، ولی به سبب شهرت نبرد رستم و اشکبوس در برخی از دستنویس‌ها بدین جا آورده شده‌اند و در اینجا نیز شهرت بیشتری یافته‌اند» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۲/۵۴). در اینجا منظور از «یک بیته که پس از بیت ۱۳۰۶ در برخی از دستنویس‌ها آمده» همین بیت «قضا گفت گیر...» است که همان‌طور که دیده می‌شود، دکتر خالقی مطلق آن را در کنار پنج بیت دیگر یک مجموعه دانسته که متعلق به جنگ بهرام و ساوه‌شاه است (نیز ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۹۷: ۷۱). این بیت در طومارهای نقالی نیز (ر.ک: هفت لشکر، ۱۳۷۷: ۲۳۰) در کنار پنج بیت دیگر در رزم رستم با اشکبوس آمده و از همین روی دکتر خالقی مطلق (۱۳۸۸: ۴۶۰) گفته است: این ابیات «در این محل غیراصولی و شاید هم به‌حق، شهرت بیشتری دارند تا در جای اصلی خود». باین حال، وضعیت این بیت و جایگاه درست آن نیازمند درنگ و جست‌وجوی بیشتری است. از همین روی، ما در ادامه به بررسی آن در چاپ‌های معتبر شاهنامه می‌پردازیم.

۳. ۱. چاپ‌های معتبر شاهنامه و بیت «قضا گفت گیر...»

استاد خالقی مطلق در تصحیح خود این بیت را در نبرد رستم با اشکبوس به پانوش برده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳/۱۸۵)؛ باین حال در این تصحیح در جنگ بهرام با ساوه‌شاه نیز این بیت به متن نرفته است؛ زیرا فقط در دستنویس لندن آمده است (ر.ک: همان: ۷/۵۴۰). وضعیت این بیت در ویرایش دوم تصحیح دکتر خالقی نیز به همین شکل است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۹۳: ۲/۸۳۶). این بیت در چاپ ژول مول در رزم رستم با اشکبوس به متن رفته (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۶: ۲/۷۰۰) و در جنگ بهرام چوبین با ساوه‌شاه نیامده است (ر.ک: همان: ۳/۱۹۷۹). مصححان شوروی

این بیت را در نبرد رستم با اشکبوس به متن برده‌اند (همو، ۱۹۶۵: ۱۹۷/۴)، اما آن را در جنگ بهرام با ساوه‌شاه به حاشیه رانده‌اند (ر.ک: همو، ۱۹۷۰: ۳۶۸/۸). با این حال، در ویرایش نهایی چاپ مسکو در هر دو موضع آمده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۹۱: ۱۴۷/۴؛ همان: ۳۲۳/۸) و سروراستار این چاپ از شاهنامه درباره این بیت گفته است: «این بیت فقط در نسخه اساس آمده و در بقیه نسخه‌ها نیست و به جز آن، از بیت ۸۸۴ تا ۸۸۹ (۶ بیت) با اندک تفاوت‌هایی آن هم فقط در مصرع اول برخی از آنها، تکرار ایاتی است که پیشتر در داستان رزم رستم با اشکبوس آمده است» (همان‌جا). این بیت در تصحیح استاد جیحونی در هیچ‌یک از دو موضع موردنظر نیامده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۰: ۱۳۸۰/۲؛ ۶۴۹؛ همان: ۱۹۳۳/۴). وضعیت این بیت در نامه باستان دکترا کزازی نیز به همین شکل است (ر.ک: همو، ۱۳۸۵: ۱۳۰/۴؛ همان: ۲۶۲/۸).

چنان‌که دیده می‌شود، وضعیت بیت موردنظر در چاپ‌های معتبر اندکی آشفته است، دکتر خالقی مطلق که آن را در کنار پنج بیت دیگر متعلق به جنگ بهرام چوبین با ساوه‌شاه دانسته است، در هیچ موضعی آن را به متن نبرده است و متن‌های مصحح و ویراسته استاد جیحونی و دکتر کزازی نیز همین وضعیت را دارند. ژول و مول و مصححان شوروی آن را در جنگ رستم و اشکبوس به متن برده و در جنگ بهرام و ساوه‌شاه آن را به متن وارد نکرده‌اند و ویرایش نهایی چاپ مسکو نیز آن را در هر دو موضع دارد. اکنون باید ببینیم وضعیت این بیت در دستنویس‌های شاهنامه چگونه است.

۳.۲. دستنویس‌های شاهنامه و بیت «قضا گفت گیر...»

بنابر تصریح دکتر خالقی مطلق، در پنج دستنویس استانبول مورخ ۷۳۱، قاهره مورخ ۷۴۱، استانبول^۲ مورخ ۷۸۳، لنینگراد مورخ ۷۳۳ و برلین مورخ ۸۹۴ ه‍.ق این بیت در رزم رستم با اشکبوس آمده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳/۱۸۶). از همین روی، بر پایه اینکه این بیت در جنگ بهرام و ساوه‌شاه فقط در دستنویس لندن آمده است، نمی‌توان یگانه به شمارش آورد. به دیگر سخن، یگانگی دستنویس لندن در ضبط این بیت به جنگ بهرام و ساوه‌شاه مربوط است و در بخش مربوط به رزم رستم با اشکبوس بر پایه تصریح دکتر خالقی مطلق در پنج دستنویس آمده است. از همین روی، اگر قرار است آن را افزوده بدانیم باید به افزوده بودن آن در حداقل شش دستنویس کهن اشاره کنیم. البته دستنویس‌های دیگری نیز این بیت را در جنگ رستم و اشکبوس دارند.

۱. در دستنویس **لندن ۶۷۵** بیتِ موردنظر ما در جنگِ بهرام با ساوه‌شاه در متن اصلی به این شکل آمده است: «قضا گفت گیر و قدر گفت ده / فلک گفت احسنت مه گفت زه» (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۴: ۲۵۸ ر)، اما در نبرد رستم با اشکبوس همان‌طور که دکتر خالقی مطلق نیز تصریح کرده، در بین ستون‌ها افزوده شده است (ر.ک: همان: ۸۹ ر؛ نیز فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳/ ۱۸۴). از پنج بیت دیگری که متعلق به نبرد بهرام با ساوه‌شاه هستند، دو بیت کامل با خطی زیباتر در حاشیه افزوده شده‌اند: «یکی تیر الماس پیکان چو آب / نهاده برو چار پر عقاب؛ برو راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست» (فردوسی، ۱۳۸۴: ۸۹ ر). البته نشانه‌هایی از بیت‌های دیگر نیز به جای مانده که در پی صحافی‌های متعددی که این نسخه دیده، حذف شده‌اند و واژه «چرم» از آنها به جای مانده است. پایین‌تر نیز دو نیم‌مصراع از این مجموعه نقل شده که بخش‌های دوم هر دو مصراع پاک شده است: «چو بوسید پیکان / گذر کرد بر مهره» (همان‌جا).

یکی از ویژگی‌های شناخته‌شده دستنویس لندن این است که برخی از برگه‌های آن با خطی متفاوت نوشته شده است. «برگ‌های ۵ - ۷ که از آغاز *شاهنامه* تا بیت ۳۸ از پادشاهی جمشید را شامل می‌شوند، و اوراق ۵۰ - ۵۳ که از بیت ۱۲۸۹ داستان رستم و سهراب تا بیت ۶۸۰ داستان سیاوخش را در بر می‌گیرند و برگ ۲۹۷ (یعنی از بیت ۸۷۹ پادشاهی یزدگرد سوم تا آخر *شاهنامه*) جدیدند و زمانی پس از اتمام کتابت نسخه به آن افزوده شده‌اند» (فردوسی، ۱۳۸۴: ۱۳؛ نیز ر.ک: خالقی مطلق، ۱۳۹۰: ۶۳). نکته مهمی که درباره بیت «قضا گفت گیر...» در این دستنویس باید در نظر گرفت، این است که خط آن به خط برگ‌های جدید شبیه است. البته دکتر خالقی مطلق (همان‌جا) خط بخش‌های نو را نیز دو خط می‌داند و معتقد است «پنج صفحه مقدمه منثور به خطی نوتر و زشت‌تر است و هفده صفحه بقیه به خطی دیگر». در این بین خط بیت موردنظر از خط مقدمه منثور دور می‌نماید و بی‌شبهت به خط صفحه پایانی نسخه نیست. ناگفته نماند که دکتر خالقی (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳/ ۱۸۵) خط این بیت را «نزدیک به خط اصلی» دانسته است و قطعاً باید منظور او از خط اصلی، خط صفحات کهن نسخه باشد، نه خط صفحات آغازین و صفحه پایانی. دقت در محل افزودن این بیت و توجه به خط آن، دو گمان را درباره آن شکل می‌دهد؛ نخست، اگر خط این بیت را مانند استاد خالقی نزدیک به خط اصلی نسخه بدانیم، می‌توان آن را از اصلاحات کاتب اصلی نسخه دانست؛ زیرا «پس از استنساخ اصل کتاب، یا خود کاتب و یا یکی دیگر از همکاران ورّاقی که کتاب در دکان او تهیه شده بوده، متن حاضر را با متن *شاهنامه* ای که نسخه از

روی آن استنساخ شده بود، مقابله کرده و افتادگی‌ها و اشتباهات آن را به خطی قدیمی در حواشی یا در جداول کتاب متذکر شده‌اند» (فردوسی، ۱۳۸۴: ۱۸). از همین روی، در این دیدگاه باید بیت موردنظر را بیتی اصیل دانست که پس از استنساخ در پی مقابله نسخه با مادر نسخه به درستی در میان جدول‌ها افزوده شده است. تفاوت خط این بیت با پنج بیت دیگر نیز همین را نشان می‌دهد.

اگر خط بیت موردنظر را با خط صفحات نونویس یکی بدانیم، گمانی دیگر شکل می‌گیرد. همان‌طور که پیش از این نیز گفتیم، صفحه پایانی این نسخه مانند چند صفحه آغازین آن با خطی متفاوت نوشته شده و در انجامه نسخه پس از ذکر تاریخ ۶۷۵ نوشته شده «کذا فی منقول عنه» (فردوسی، ۱۳۸۴: ۲۹۷)؛ بنابراین، ممکن است، آن که صفحات نو، از جمله صفحه پایانی را به نسخه افزوده است، بیت «قضا گفت گیر...» را نیز از همان نسخه «منقول عنه» برداشته و در بین ستون‌ها به داستان رستم و اشکبوس افزوده باشد. دکتر امیدسالار در مقدمه چاپ عکسی این دستنویس، نمونه‌های دیگری از یکسانی خط ابیات افزوده در حواشی را با صفحات نونویس نشان داده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۴: ۱۷)؛ بنابراین، در این دیدگاه باید اعتبار بیت موردنظر را در این دستنویس برابر با صفحاتی دانست که بعدها به این نسخه افزوده شده است و تاریخ ۶۷۵ را نیز در بر دارد.

از همین روی، اگر مانند روانشادان افشار و دانش‌پژوه (۱۳۷۴: ۱۵۴) معتقد باشیم نسخه لندن ۶۷۵ نسخه‌ای است «نوشته از روی نسخه مورخ ۶۷۵، نه در خود این تاریخ» و در واقع تاریخ ۶۷۵ را متعلق به «نسخه منقول عنه» بدانیم، باید بیت «قضا گفت گیر...» را نیز متعلق به همین تاریخ دانست. از دیگر سو، اگر مانند روانشاد مهدی قریب (ر.ک: ۱۳۸۴: ۲۵۶) معتقد باشیم که کاتبی سال‌ها پس از کتابت دستنویس لندن و در پی اسقاط برخی صفحات این نسخه، از روی نسخه‌ای مورخ ۶۷۵ بخش‌های افتاده را بازسازی کرده است و بنابراین تاریخ کتابت صفحات کهن و اصلی این دستنویس باید پیش از ۶۷۵ باشد، باید تاریخ کتابت صفحات نو و بیت «قضا گفت گیر...» را نیز حداقل ۶۷۵ هـ ق دانست. با این حال منطقی آن است که بپذیریم برگ‌هایی از این نسخه فرسوده بوده و کاتبی از روی همان برگ‌های فرسوده، این بخش را ترمیم کرده و «با امانت کوشیده است تا، ضمن کامل کردن نسخه، اصالت آن را حفظ کند» (خطیبی، ۱۳۸۵: ۱۳۵) و از همین روی تاریخ ۶۷۵ «به احتمال قریب به یقین، تاریخ کتابت متن اصلی اقدم نسخه‌های کامل شاهنامه است» (همان‌جا). به هر روی، باید اعتبار بیت موردنظر را در جنگ رستم و اشکبوس، با اعتبار صفحات نو تر و از جمله صفحه پایانی و

انجامه نسخه برابر دانست و افزوده شدن آن در بین ستون‌ها را نباید در شمار افزودن‌هایی آورد که خوانندگان در دوره‌های بعد به یک نسخه می‌افزایند.

۲. از دیگر دستنویس‌هایی که این بیت در آن در جنگ رستم و اشکبوس آمده، **دستنویس کتابخانه طوقاپوسرای** ترکیه مورخ ۷۳۱ هـ ق است که در تصحیح دکتر خالقی مطلق با نشان **س** از آن استفاده شده است. در این دستنویس مصور، ابیات موردنظر به این ترتیب آمده‌اند: «خدنگی برآورد پیکان چو آب / نهاده برو چار پر عقاب؛ بمالید چاچی کمانرا بدست / به چرم گوزن اندر افکند شست؛ برو راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست؛ چو سوفارش آمد بپهنای گوش / ز چرم گوزنان برآمد خروش؛ چو سوفار او گشت با گوش راست / بچرخ اندرون شور و آشوب خاست؛ چو بوسید پیکان سرانگشت او / گذر کرد بر مهره پشت او؛ بزد بر بر و سینه اشکبوس / سپهر آن زمان دست او داد بوس؛ قضا گفت گیر و قدر گفت ده / ملک گفت احسنت و مه گفت زه» (دستنویس استانبول، مورخ ۷۳۱، برگ شماره ۷۲).

۳. در دستنویس **دارالکتب قاهره** مورخ ۷۴۱ هـ ق که در تصحیح دکتر خالقی مطلق با نشان **ق** از آن استفاده شده، از مجموع پنج بیت جنگ بهرام با شاه‌شاه فقط این بیت آمده: «چو سوفار بوسید انگشت او / گذر کرد بر مهره پشت او» (دستنویس قاهره، تصویر شماره ۱۷۵). پس از آن نیز چنین آمده است: «بزد بر بر و سینه اشکبوس / سپهر آن زمان دست او داد بوس؛ قضا گفت گیر و قدر گفت ده / ملک گفت احسنت و مه گفت زه» (دستنویس قاهره، تصویر شماره ۱۷۵).

۴. در دستنویس **کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد** مورخ ۷۳۳ هـ ق بیت‌های موردنظر این گونه هستند: «خدنگی برآورد پیکان چو آب / نهاده بزو چارپر عقاب؛ بمالید چاچی کمانرا بدست / بچرم گوزن اندر آورد شست؛ بزو راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست؛ چو سوفارش آمد بپهنای گوش / ز چرم گوزنان برآمد خروش؛ چو پیکان بوسید سرانگشت او / گذر کرد بر مهره پشت او؛ بزد بر بر و سینه اشکبوس / سپهر آن زمان دست او داد بوس؛ قضا گفت گیر و قدر گفت ده / ملک گفت احسنت و مه گفت زه» (دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، مورخ ۷۳۳ هـ ق).

۵. در دستنویس **استانبول** مورخ ۹۰۳ هـ ق ساختگی که در تصحیح دکتر خالقی با نشان **س** از آن استفاده شده و تاریخ واقعی کتابت آن ۷۸۳ هـ ق است (ر.ک: چاغمن و سوچک، ۱۳۷۱: ۷۵۹) به تصریح دکتر خالقی این بیت آمده است. متأسفانه نگارنده این سطور نتوانست به این نسخه دست

یابد. از همین روی ارائه گزارشی از وضعیت بیت موردنظر و ابیات دیگری که با آن در ارتباطاند، میسر نشد و به گزارش دکتر خالقی مطلق بسنده می‌کنیم. بر پایه گزارش ایشان (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳/۱۸۴) از پنج بیت موردنظر، فقط بیت الحاقی «چو سوفار او گشت با گوش راست / به چرخ اندرون شور و آشوب خاست» و بیت «چو بوسید پیکان سرانگشت او / گذر کرد بر مهره پشت او» در دستنویس استانبول مورخ ۷۸۳ آمده است و بیت «قضا گفت گیر...» نیز به صورت معروف آن ضبط شده است: «قضا گفت گیر و قدر گفت ده / ملک (فلک) گفت احسنت و مه گفت زه» (همان: ۱۸۵).

۶. نسخه دیگری که بیت موردنظر ما را دارد، دستنویس دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (سعدلو) است که به دلیل افتادن صفحه آخر آن تاریخ کتابتش معلوم نیست؛ «ولی با توجه به رسم الخط کتاب و برخی خصوصیات املائی و شواهد دیگر شاید بتوان آن را بازمانده از اواخر سده ۷ یا نیمه اول سده ۸ دانست» (فردوسی، ۱۳۷۹: پنج). در این دستنویس از پنج بیت جنگ بهرام با ساوه‌شاه چهار بیت زیر به این ترتیب آمده است: «خدنگی بر آورد پیکان چو آب / نشانده برو چار پر عقاب؛ بدو راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست؛ چو سوفارش آمد به پهنای گوش / ز چرم گوزنان بر آمد خروش؛ چو بگذشت پیکان بر انگشت اوی / گذر کرد بر مهره پشت اوی» (همان: ۲۹۷). پس از آن نیز بیت موردنظر و بیت پیش از آن این گونه آمده است: «بزد بر بر و سینۀ اشکبوس / سپهر آن زمان دست او داد بوس؛ قضا گفت گیر و قدر گفت ده / ملک بر فلک گفت احسنت و زه» (همان جا). همچنین در حاشیه نیز با خطی متفاوت و زیبا، مصراع نخست بیتی از جنگ بهرام و ساوه‌شاه را که در این نسخه نیامده است، این گونه افزوده‌اند: «چو بوسید پیکان سرانگشت او» (همان جا).

۷. نسخه دیگری که در جنگ رستم با اشکبوس بیت‌های جنگ بهرام و ساوه‌شاه را دارد، دستنویس دارالکتب قاهره مورخ ۷۹۶ هـ ق است که در تصحیح دکتر خالقی مطلق با نشان ق^۲ در شمار دستنویس‌های غیر اصلی از آن استفاده شده است. در این دستنویس، نخست، بیت اول، از پنج بیت جنگ بهرام و ساوه‌شاه چنین آمده است: «بمالید چاچی کمانرا به دست / بسان (بشاخ؟) گوزن اندر آورد شست» (دستنویس دارالکتب قاهره، مورخ ۷۹۶، برگ شماره ۱۰۴). سپس این بیت از جنگ رستم و اشکبوس آمده است: «کمانرا بمالید رستم به چنگ / نگه کرد یک چوبه تیر خدنگ» (همان جا). در واقع این دو بیت پیش و پس شده‌اند. پس از آن ابیات دیگر به این شکل

آمده‌اند: «خدنگی گزین کرد پیکان چو آب / نهاده برو چار پر عقاب؛ برو راست خم کرد و چپ کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست؛ چو آورد سوفار نزدیک گوش / ز شاخ گوزنش برآمد خروش؛ چو بوسید پیکان سرانگشت او / گذر کرد بر مهره پشت او» (همان‌جا). پس از این بیتی که نام اشکبوس نیز در آن آمده و سپس بیت موردنظر به این شکل آمده است: «بزد بر بر و سینه اشکبوس / سپهر آن زمان دست او داد بوس؛ قضا گفت گیر و قدر گفت ده / فلک گفت احسنت و مه گفت زه» (همان‌جا). با آنکه این دستنویس یکی از دستنویس‌های غیر اصلی استاد خالقی مطلق در تصحیح شاهنامه بوده است، اما در نسخه‌بدل‌های بیت «قضا گفت گیر...» به آن اشاره‌ای نشده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳/ ۱۸۵).

۸ دستنویس مهم دیگری که بیت موردنظر ما را دارد، حاشیه ظفرنامه است که در «ماه مبارک رمضان سال ۸۰۷ هجری در شیراز توسط محمود بن سعید بن عبدالله الحسینی به خط نسخ به پایان رسیده است» (حمدالله مستوفی، ۱۳۷۷: یک). آن گونه که شاپوران (۱۳۹۵: ۳۳) نیز گفته است، دکتر خالقی مطلق از این دستنویس استفاده نکرده؛ اما در دفترهای هفتم و هشتم شاهنامه آن را در شمار «دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند»، آورده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۷/ دوازده؛ همان: ۸/ دوازده). اما «در عمل احتمالاً چندان به آن دقت نداشته و از آن هیچ استفاده‌ای نکرده است» (شاپوران، ۱۳۹۵: ۳۳). این دستنویس بیت موردنظر ما را در نبرد رستم و اشکبوس به شکل زیر آورده است:

قضا گفت گیر و قدر گفت ده ملک گفت احسن فلک گفت زه
(حمدالله مستوفی، ۱۳۷۷: ۴۹۳).

در این دستنویس، از مجموع پنج بیت جنگ بهرام با ساوه‌شاه، فقط سه بیت، آن هم با اختلافاتی تقریباً چشمگیر، به شکل زیر آمده است:

خدنگی گزین کرد پیکان چو آب نهاده برو چار پر عقاب
بمالید چاچی کمانرا بدست بچرم گوزن اندر افکند شست
چو آورد شست یلی را بگوش برآمد ز شاخ گوزنان خروش
(همان: ۱۴۸۷-۱۴۸۸)

سه دستنویس دیگر از نیمه قرن نهم و یک دستنویس نیز از پایان همان قرن بیت موردنظر را دارند. دستنویس **واتیکان** مورخ ۸۴۸ هـ ق یکی از این دستنویس‌هاست که در آن بیت موردنظر در رزم رستم با اشکبوس آمده و با وجود اینکه یکی از دستنویس‌های غیراصلی دکتر خالقی مطلق در تصحیح دفتر سوم شاهنامه بوده، در نسخه‌بدل‌ها، اشاره‌ای به بیت موردنظر در این دستنویس نشده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳/۱۸۶). همچنین در دستنویس **پاریس** مورخ ۸۴۸ هـ ق نیز بیت موردنظر در رزم رستم با اشکبوس آمده است که در مصراع دوم به جای «فلک»، «ملک» نشانده شده است. ناگفته نماند که دکتر خالقی مطلق در تصحیح خود از این دستنویس استفاده نکرده؛ ولی در شرح نسخه‌بدل‌ها به نویسنش «ملک» از نسخه پاریس مورخ ۸۴۴ که یکی از دستنویس‌های فرعی او در تصحیح دفتر سوم بوده، اشاره کرده است (ر.ک: فردوسی، ۱۳۸۹: ۳/۱۸۵). در متن دستنویس **کتابخانه دولتی برلین** مورخ ۸۹۴ هـ ق نیز بیت موردنظر در رزم رستم با اشکبوس آمده است. دوازده دستنویس بالا بیت موردنظر را در متن دارند. در کنار آنها در یک دستنویس مهم دیگر، یعنی دستنویس بی‌تاریخ **سن ژوزف**، نیز که «تشخیص اینکه کتابت آن بازمانده از اواخر قرن هفتم و به احتیاط اوایل سده هشتم باشد، دور از صواب نیست» (فردوسی، ۱۳۸۹: ب: ۲۱)، بیت موردنظر با خطی متفاوت در رزم رستم با اشکبوس به این شکل در بین ستون‌ها افزوده شده است: «قضا گفت گیر و قدر گفت ده / فلک گفت احسنت و مه گفت زه» (همان: ۲۷۴). در این دستنویس به پنج بیت داستان بهرام و ساوه‌شاه یک بیت افزوده شده و این مجموعه شش‌بیتی به همان خط متفاوت در حاشیه چنین افزوده شده‌اند: «دو زاغ کمانرا به زه برنهاد / سر ترکش تیر را برکناد (؟)؛ برآورد یک تیر و پیکان چو آب / برو بر زده چار پر عقاب؛ بمالید چاچی کمانرا به دست / به چرم گوزن اندرآورد شصت؛ ستون کرد چپ را و خم کرد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخاست؛ چو سوفارش آمد بپهنای گوش / ز چرم گوزنان برآمد خروش؛ چو بوسید پیکان سرانگشت او / گذر کرد از مهره پشت او» (همان‌جا). مصراع دوم بیت اول این مجموعه که در هیچ دستنویسی با پنج بیت موردنظر نیامده است، در واقع مصراع دوم بیت ۱۵۲۵ داستان کاموس کشانی، بر اساس تصحیح دکتر خالقی مطلق، و مربوط به رزم چنگش با رستم است و ۲۲۳ بیت جلوتر از بیت‌های موردنظر ماست: «بیامد همانگاه چنگش چو باد / دو زاغ کمان را به زه برنهاد» (فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳/۱۹۸). بررسی بالا چند نکته مهم را نشان می‌دهد. نخست اینکه احتمالاً باید بیت موردنظر را در جنگ رستم و اشکبوس در کهن‌ترین دستنویس کامل شاهنامه اصلی بدانیم. دوم اینکه حداقل هفت

دستنویس و با چشم‌پوشی از هفت سالِ دستنویسِ حاشیه‌ظفرنامه هشت دستنویسِ مهم شاهنامه تا پایان قرن هشتم این بیت را در رزم رستم با اشکبوس ضبط کرده‌اند و چهار دستنویس مهم قرن نهم نیز آن را در همین موضع دارند. سوم اینکه پنج بیت دیگری که متعلق به داستان بهرام و ساوه‌شاه هستند، در همه دستنویس‌ها یکدست و کامل نیامده‌اند. از هشت دستنویس تا قرن هشتم فقط سه دستنویس طویقاپوسرای مورخ ۷۳۱ هـ.ق، لنینگراد مورخ ۷۳۳ هـ.ق و قاهره مورخ ۷۹۶ هـ.ق کل پنج بیت را دارند و بقیه دستنویس‌ها از یک تا چهار بیت ضبط کرده‌اند. این نکته به‌خوبی نشان می‌دهد، همان‌طور که پیشتر دکتر خالقی مطلق دریافته است، این پنج بیت متعلق به اینجا نیستند و جای درست آنها نبرد بهرام و ساوه‌شاه است. اما بیت «قضا گفت گیر...» را به همین دلیل و به دلیل اینکه در همه دستنویس‌ها پس از بیتی آمده که متعلق به رزم رستم و اشکبوس است و در آن آشکارا نام اشکبوس آمده است، باید متعلق به همین بخش از شاهنامه دانست؛ زیرا در نبرد بهرام با ساوه‌شاه فقط در یک دستنویس آمده و همان دستنویس آن را در جنگ رستم و اشکبوس نیز تکرار کرده است؛ اما دوازده دستنویس مهم آن را در جنگ رستم و اشکبوس ضبط کرده‌اند. از همین روی، در نخستین مرحله باید آن را متعلق به همین بخش از شاهنامه دانست و حتی اگر قرار است آن را افزوده بدانیم، باید افزوده‌ای به همین بخش پنداشتش که بعدها با آن پنج بیت دیگر در دستنویس لندن به جنگ بهرام و ساوه‌شاه منتقل شده است.

۴. آیا این بیت الحاقی است؟

در چاپ‌هایی از شاهنامه که بیت موردنظر در آنها به حاشیه رفته، بحثی درباره علت الحاقی بودن آن مطرح نشده است. فقط، همان‌طور که پیش از این گفتیم، بر پایه نسخه‌بدل‌های چاپ دکتر خالقی مطلق ظاهراً این بیت به دلیل یگانه بودن دستنویس لندن در ضبط آن، در جنگ بهرام و ساوه‌شاه افزوده دانسته شده است. ما پیش از این نشان دادیم که یگانگی این بیت را در لندن باید مربوط به جنگ بهرام و ساوه‌شاه دانست، درحالی‌که در رزم رستم با اشکبوس در دوازده دستنویس مهم آمده است و نمی‌توان آن را در نسخه لندن یگانه پنداشت. از دیگر سو، دکتر آیدنلو (۱۳۹۴: ۲۰۸) نیز درباره این بیت گفته است: «در چند نسخه شاهنامه در داستان نبرد رستم و اشکبوس، که از پراقبال‌ترین روایات شاهنامه در مجالس نقالی و شاهنامه‌خوانی بوده، افزوده شده است. بیت در دستنویس‌های کهنی مانند فلورانس، بریتانیا، سن ژوزف و... نیست». با این حال، همان‌طور که پیشتر نیز گفتیم دستنویس بریتانیا آن را در یک موضع در متن و در جایی دیگر در بین ستون‌ها دارد که

آن را نیز نمی‌توان به راحتی افزوده دیگران به این دستنویس پنداشت. از همین روی، در بین دستنویس‌های مهم شاهنامه فقط فلورانس و سن ژوزف این بیت را ندارند و شمار زیادی از دستنویس‌ها آن را ضبط کرده‌اند.

از آنجا که این بیت در کتاب‌های درسی نیز آمده است، در چند شماره از مجله رشد آموزش و پرورش مطالبی درباره آن نگاشته شده است. البته همان‌طور که در بخش پیشینه پژوهش گفتیم، در این مقاله‌ها بیشتر درباره معنای بیت مورد نظر بحث شده است. اما در یکی از این مقاله‌ها (رفیعی، ۱۳۹۵: ۱۱)، نگارنده محترم درباره الحاقی بودن این بیت نیز نظری مطرح کرده و آن را یکی از الحاقی‌ها که «شکی در افزوده بودن آن نیست»، دانسته است. پژوهنده نام‌برده که اشاره‌ای به تکرار این بیت در شاهنامه نکرده است، آن را در نبرد رستم با اشکبوس حشو دانسته است؛ زیرا به نظر ایشان پیش از آن بیت «بزد بر بر و سینه اشکبوس / سپهر آن زمان دست او داد بوس» آمده است. از همین روی، به نظر ایشان «مصراع دوم این بیت [قضا گفت گیر...] و بیت پیشین تقریباً یک مفهوم دارند و حتی می‌توان گفت که تکرار این مفهوم به نوعی حشو قبیح است که به هیچ‌عنوان با سلاست و جزالت زبان فردوسی سازگاری ندارد» (رفیعی، ۱۳۹۵: ۱۱).

در برخورد اول این نظر درست می‌نماید، اما نباید از یاد برد که فردوسی پس از اینکه صحنه تیراندازی رستم و زدن اشکبوس را توصیف می‌کند، بلافاصله، سریع و کوتاه، آن‌چنان که شیوه اوست، در یک بیت از همراهی و تأثیر قضا و قدر و قدرت‌های بودنی نیز سخن می‌گوید و پس از آن به صحنه دوم که صحنه مرگ اشکبوس است، برمی‌گردد: «کشانی هم اندر زمان جان بداد / چنان شد که گفتی ز مادر نژاد» (فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۳ / ۱۸۵). به دیگر سخن، بیت «قضا گفت گیر...» نه تنها حشو نیست، بلکه کمال هنر فردوسی را می‌رساند که در یک فرصت کوتاه در بین دو صحنه «انتخاب تیر و تیراندازی رستم و تیر خوردن اشکبوس» و صحنه «مرگ اشکبوس» با بیت «قضا گفت گیر...» فاصله کوتاهی انداخته و هنرنمایی رستم را به همراهی کائنات نسبت داده است.

پژوهنده نام‌برده علاوه بر دلیل بالا به ذکر دلیل دیگری برای اثبات الحاقی بودن این بیت نیز پرداخته و گفته است: «گمان نمی‌کنم واژه احسنت به جز این بیت در سراسر شاهنامه بار دیگر تکرار شده باشد. کوتاه سخن آنکه این نوع واژه‌گزینی و حشوی این گونه، به کلام فردوسی نمی‌ماند. پس می‌توان الحاقی بودن این بیت را مسلم دانست» (رفیعی، ۱۳۹۵: ۱۱). بر خلاف نظر پژوهنده گرامی واژه «احسنت» باز هم در شاهنامه به کار رفته است:

جز احسن ازیشان نبد بهره‌ام بکفت اندر احسن‌شان زهره‌ام
(فردوسی، ۱۳۸۹: ۸ / ۴۸۶ نیز ر.ک:
آیدنلو، ۱۳۹۶: ۳۴).

علاوه بر این، درباره‌ی واژه‌گزینی فردوسی و اهمیت آنها در تشخیص الحاقی یا اصیل بودن بیتی از شاهنامه باید اندکی بیشتر درنگ و تأمل در کار کرد. به دیگر سخن، با تکیه بر اینکه واژه «احسن» فقط یک بار در شاهنامه به کار رفته است (حال آنکه چنین هم نیست)، نمی‌توان بیتی را افزوده دانست. به دیگر سخن، عوامل گوناگونی از جمله منع / منابع فردوسی در گزینش واژه‌ها در شاهنامه مؤثرند و از همین روی گاهی یک واژه فقط در یک داستان یا یک بخش به کار رفته و در دیگر بخش‌ها تکرار نشده است. برای نمونه می‌توان واژه‌تئین را در بیتی از پادشاهی اسکندر مثال زد:

چو تئین از آن موج بردارد ابر هوا برخوشد بسانِ هزبر
(فردوسی، ۱۳۸۹ الف: ۶ / ۹۸)

دکتر امیدسالار درباره‌ی این واژه گفته است: «در منبع فردوسی مسلماً واژه‌تئین به کار برده شده بوده است. نکته‌ی جالب دیگری که در این مورد باید بدان توجه کرد، این است که چون واژه‌های اژدر و تئین هم‌وزن‌اند، اگر فردوسی می‌خواست که حتماً لغات فارسی در شاهنامه به کار ببرد، می‌توانست بگوید: چن اژدر از آن موج بردارد ابر، که از نظر وزن شعر هم کوچک‌ترین تفاوتی برایش نداشت. همین که لغت تئین را به کار برده، خود مبین پافشاری او در پیروی از متن منثور جلوی رویش تواند بود» (خالقی مطلق، ۱۳۸۹: ۳ / ۲۹ یادداشت امیدسالار). از همین روی، بحث کاررفت یگانه‌ی واژه‌ها در شاهنامه و اهمیت آن در تشخیص افزوده از اصیل بسیار باریک‌تر از آن است که بتوان تنها با استناد به آن بیتی را افزوده دانست. بر پایه‌ی آنچه گذشت، تا کنون دلیل استواری که قطعیت الحاقی بودن بیت موردنظر را نشان دهد، ارائه نشده است.

به هر روی، دستنویس‌های اصلی دکتر خالقی مطلق در تصحیح دفتر سوم شاهنامه که رزم رستم با اشکبوس را در بر دارد، شش دستنویس فلورانس، لندن، استانبول، قاهره، لندن^۲ و استانبول^۱ هستند. بر پایه‌ی گزارش ما، از این شش دستنویس چهار دستنویس لندن مورخ ۶۷۵ هـ.ق، استانبول مورخ ۷۳۱ هـ.ق، قاهره مورخ ۷۴۱ هـ.ق و استانبول^۲ مورخ ۷۸۳ هـ.ق در کنار هشت دستنویس مهم دیگر این بیت را دارند. گرچه نسخه‌ی اساس، یعنی فلورانس ۶۱۴ این بیت را ندارد و بنداری نیز آن را ترجمه نکرده

است، اما با توجه به همصدایی دستنویس‌ها و بر اساس آنچه پیش از این شرح دادیم، بهتر است این بیت در چنگک شک به متن رزم رستم با اشکبوس برود.

از دیگر سو، در دیوان همام تبریزی (ولادت ۶۳۶ هـ.ق، وفات ۷۱۴ هـ.ق) شاعر قرن هفتم، مثنوی کوتاهی در بحر متقارب آمده است که یک بیت از آن می‌تواند یادآور بیت مورد نظر ما و تأیید جنبی اصالت آن باشد. همام این مثنوی را در مدح سلطان احمد تگودار سروده است:

امیر جوان بخت صاحب قران جهان پهلوان خسرو نیک بخت چو از نعل اسپان به روز نبرد از آن گرد گردون شود در حجاب ۵. نشاند به خون تیغ تیزت غبار خدنک تو چون بگذرد بر زره زهی تیغ تو آب آتش فشان	که زو شد مزین زمین و زمان به مردی تو را خود و زین تاج و تخت زمین تیره گردد زمان پر ز گرد نشانی نیابد نظر ز آفتاب شود باز راز جهان آشکار کمان تو را چرخ گوید که زه به آب آتش فتنه را می‌نشان (همام، ۱۳۹۴: ۳۵).
---	---

آنچه از مثنوی کوتاه همام، مورد نظر ماست و می‌تواند اصالت بیت شاهنامه را نیرویی جنبی دهد، بیت ششم است؛ زیرا واژه گزینی همام و مخصوصاً «زه گفتن چرخ» و تصویری که شاعر ساخته است، می‌تواند یادآور بیت شاهنامه باشد و ما پیش از این نیز به این نکته اشاره کرده‌ایم (ر.ک: کهریزی، ۱۳۹۹: ۷۵). با توجه به اینکه سلطان احمد تگودار، سومین ایلخان، که این شعر در مدح اوست (ر.ک: همام، ۱۳۹۴: ۳۴)، از سال ۶۸۱ تا ۶۸۳ هـ.ق حکومت کرده (ر.ک: مرتضوی، ۱۳۹۱: ۱۰)، ممکن است همام بیت شاهنامه را پیش از این تاریخ در یکی از دستنویس‌های شاهنامه دیده باشد و بیت خود را با توجه به بیت مورد نظر ما ساخته باشد. البته ناگفته پیداست که تا یافتن سندی معتبرتر، همچنان باید این بیت را در رزم رستم با اشکبوس در چنگک شک پذیرفت.

نتیجه گیری

بیت معروف «قضا گفت گیر و قدر گفت ده / فلک گفت احسنت و مه گفت زه» یک بیت از مجموعه‌ای شش‌بیتی پنداشته شده است که در اصل متعلق به داستان جنگ بهرام چوبین با ساوه‌شاه هستند و در داستان رزم رستم با اشکبوس نیز در بعضی از دستنویس‌ها آمده‌اند. با این حال چاپ‌های

مهم چند دهه اخیر شاهنامه آن را نه در رزم رستم با اشکبوس به متن برده‌اند، نه در جنگ بهرام با ساوه‌شاه. ما در این مقاله کوشیدیم، با بررسی چاپ‌ها و دستنویس‌های مهم شاهنامه، بر این بیت درنگ کنیم و نظری درباره جایگاه و وضعیت آن مطرح کنیم. نتایج مقاله نشان می‌دهد که:

۱. دستنویس لندن مورخ ۶۷۵ هـ ق این بیت را در داستان جنگ بهرام چوین با ساوه‌شاه در متن و در رزم رستم با اشکبوس در حاشیه دارد که بر پایه قرآینی باید آن را در این بخش از اصلاحات و افزوده‌های کاتب یا آن کسی دانست که برگه‌های نونویس نسخه را نوشته است. یازده دستنویس مهم دیگر نیز تا پایان قرن نهم هجری این بیت را در رزم رستم با اشکبوس ضبط کرده‌اند؛ بنابراین نباید دستنویس لندن را در ضبط آن یگانه شمرد، بلکه این یگانگی را باید در داستان جنگ بهرام چوین با ساوه‌شاه به شمار آورد؛ نه در داستان رزم رستم با اشکبوس.

۲. به دلیل اینکه این بیت در جنگ بهرام چوین با ساوه‌شاه فقط در یک دستنویس آمده و در رزم رستم با اشکبوس در دوازده دستنویس شاهنامه تا قرن نهم هجری ضبط شده است و با پنج بیت تکراری جنگ بهرام و ساوه‌شاه یک بیت فاصله دارد که در آن بیت نام اشکبوس نیز آمده است، باید آن را متعلق به داستان رزم رستم با اشکبوس بدانیم که با ابیات تکراری این داستان در یکی از دستنویس‌ها به جنگ بهرام با ساوه‌شاه منتقل شده است؛ بنابراین، چنان که در ویرایش نهایی چاپ مسکو می‌بینیم، در متن نهادن این بیت در جنگ بهرام با ساوه‌شاه، نادرست است و در این بخش از شاهنامه باید به حاشیه رانده شود.

۳. با توجه به اینکه این بیت از بین شش دستنویس اصلی تصحیح دفتر سوم شاهنامه مصحح دکتر خالقی مطلق در چهار دستنویس لندن، استانبول، قاهره، استانبول^۲ و در هشت دستنویس مهم دیگر تا قرن نهم هجری آمده است، باید اصلی پنداشته شود؛ اما از آنجا که کهن‌ترین دستنویس شاهنامه، یعنی فلورانس، آن را ندارد و در دستنویس مهم سن ژوزف نیز در حاشیه ضبط شده و بنداری نیز مضمون آن را به عربی ترجمه نکرده است، باید آن را در چنگک شک به متن برد و تا یافتن سندی معتبرتر به همین وضعیت بسنده کرد.

منابع

- آیدنلو، سجاد (۱۳۹۴). دفتر خسروان (برگزیده شاهنامه فردوسی)، چاپ دوم، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۹۶). فرهنگ‌واره لغات و ترکیبات عربی شاهنامه، چاپ اول، تهران: سخن.
- افشار، ایرج و منوچهر دانش‌پژوه (۱۳۷۴). فهرستواره کتابخانه مینوی و کتابخانه مرکزی پژوهشگاه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- البنداری، الفتح بن علی (۱۹۷۰). الشاهنامه، نظمها بالفارسیة أبو القاسم فردوسی، قارنها بالأصل الفارسی و أكمل ترجمتها فی مواضع و صححها و علّق علیها و قدّم لها عبدالوهاب عزام، طبعه بالافتست فی طهران.
- حمدالله مستوفی (۱۳۷۷). ظفرنامه به انضمام شاهنامه فردوسی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی مورخ ۸۰۷ هجری به شماره 2833 OF. به خط محمود الحسینی، زیر نظر نصرالله پورجوادی و نصرت‌الله رستگار، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خالقی مطلق، جلال (۱۳۸۸). «تکرار در شاهنامه»، سخن‌های دیرینه، به کوشش علی دهباشی، چاپ سوم، تهران: نشر افکار.
- _____ (۱۳۸۹). یادداشت‌های شاهنامه، چاپ اول، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- _____ (۱۳۹۷). «شاهنامه طویق‌پوسرای مورخ ۷۳۱ هجری قمری»، بخارا، شماره ۱۲۳، ص ۶۰-۱۰۱.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۵). «چاپ عکسی کهن‌ترین نسخه کامل شاهنامه»، نامه فرهنگستان، ش ۳۱، ص ۱۳۲-۱۳۹.
- _____ (۱۳۸۶). «استفاده منطقی از منابع جنبی در تصحیح شاهنامه»، نامه انجمن، شماره ۲۵، ص ۵۳-۶۶.
- چاغمن، فیلیز و پریسیلا پ. سوچک (۱۳۷۱). «دستنویسی شاهانه و دگرگونی‌های آن: سرگذشت یک کتاب»، ترجمه کامبیز اسلامی، مجله ایران‌شناسی، سال چهارم، شماره ۴، ص ۷۳۴-۷۶۴.

- رفیعی، داود (۱۳۹۵). «توضیحی درباره مصراع قضا گفت گیر و قدر گفت ده»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره سی ام، شماره ۲، ص ۱۰-۱۱.
- رویانی، وحید و منیره فرضی شوب (۱۳۹۴). «بررسی تأثیرات شاهنامه بر حمله حیدری باذل مشهدی»، جستارهای ادبی، شماره ۱۸۹، تابستان، ص ۱۱۳-۱۳۹.
- شاپوران، علی (۱۳۹۶). «یکسانی ضبط‌های دو نسخه از شاهنامه و نتایج حاصل از آن»، گزارش میراث، دوره ۳، سال اول، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۹۵، ص ۳۲-۴۸.
- فراتی، علی (۱۳۹۴). «نقدی بر مصراع قضا گفت گیر و قدر گفت ده»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، دوره ۲۸، شماره ۴.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۹۶۵). شاهنامه، ج ۴، تصحیح ر. علی یف، آ. برتلس، م. عثمانوف، زیر نظر ع. نوشین، مسکو: آکادمی علوم اتحاد شوروی.
- _____ (۱۹۷۰). شاهنامه، ج ۸، تصحیح رستم علی یف، زیر نظر ع. آذر، مسکو: آکادمی علوم اتحاد شوروی.
- _____ (۱۳۷۹). شاهنامه فردوسی همراه با خمسة نظامی، چاپ عکسی از روی نسخه متعلق به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی مربوط به سده هشتم هجری قمری، با مقدمه دکتر فتح الله مجتبیایی، چاپ اول، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- _____ (۱۳۸۰). شاهنامه، تصحیح مصطفی جیحونی، چاپ سوم، اصفهان: شاهنامه پژوهی.
- _____ (۱۳۸۴). شاهنامه، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا مشهور به شاهنامه لندن، نسخه برگردانان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایرج افشار و محمود امیدسالار، چاپ اول، تهران: طلايه.
- _____ (۱۳۸۵). نامه باستان، ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی از میرجلال الدین کزازی، چاپ دوم، تهران: سمت.

- _____ (۱۳۸۶). شاهنامه، تصحیح ژول مول، به کوشش پرویز اتابکی، چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۹ الف) شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، جلدهای ششم و هفتم با همکاری محمود امیدسالار و ابوالفضل خطیبی، چاپ سوم، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- _____ (۱۳۸۹ ب). شاهنامه، نسخه برگردان از روی نسخه کتابت اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری قمری (کتابخانه شرقی، وابسته به دانشگاه سن ژوزف بیروت)، به کوشش ایرج افشار، محمود امیدسالار، نادر مطلبی کاشانی، با مقدمه‌ای از جلال خالقی مطلق، چاپ اول، تهران: طلایه.
- _____ (۱۳۹۱). شاهنامه، تصحیح محمد نوری عثمانوف و دیگران، زیر نظر مهدی قریب، تهران: سروش با همکاری دانشگاه خاورشناسی مسکو.
- _____ (۱۳۹۳). شاهنامه، پیرایش جلال خالقی مطلق، چاپ اول، تهران: سخن.
- _____، دستنویس شاهنامه مورخ ۷۳۱ هـ ق، به نشان H. 1479، محفوظ در کتابخانه موزه طوقاپوسرای استانبول.
- _____، دستنویس شاهنامه مورخ ۷۳۳ هـ ق، به شماره ۳۱۶-۳۱۷، محفوظ در کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد.
- _____، دستنویس شاهنامه مورخ ۷۴۱ هـ ق، به نشان ۶۰۰۶ س، محفوظ در دارلکتب قاهره.
- _____، دستنویس شاهنامه مورخ ۷۹۶ هـ ق، به نشان ۷۳، محفوظ در دارلکتب قاهره.
- _____، دستنویس شاهنامه مورخ ۸۴۸ هـ ق، به نشان Ms. Pers. 118، محفوظ در کتابخانه پاپ در واتیکان.
- _____، دستنویس شاهنامه مورخ ۸۴۸ هـ ق، به نشان Suppl. Pers. 494، محفوظ در کتابخانه ملی پاریس. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- _____، دستنویس شاهنامه مورخ ۸۹۴ هـ ق، به نشان Ms. Or. 24255، محفوظ در کتابخانه دولتی برلین. رتال جامع علوم انسانی
- کهریزی، خلیل (۱۳۹۹). «شاهنامه در دیوان همام تبریزی»، کارنامه متون ادبی دوره عراقی، س ۱، ش ۱، ص ۶۵-۷۶.

- مرتضوی، منوچهر (۱۳۹۱). مسائل عصر ایلخانان، چاپ دوم، تبریز: دانشگاه تبریز.
- هفت‌لشکر (۱۳۷۷). طومار جامع نقالان از کیومرث تا بهمن، مقدمه، تصحیح و توضیح مهران افشاری و مهدی مدائنی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- همام، محمد بن فریدون (۱۳۹۴). دیوان همام تبریزی، تصحیح رشید عیوضی، چاپ اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی